



انتشارات دانشگاه تبریز

درآمدی بر

دیدگاه‌های فلسفی جغرافیا

دکتر علی محمد خورشیددوست

بهار ۱۳۹۴

سرشناسه	خورشید دوست، علی محمد، ۱۳۳۹-
عنوان و نام پدیدآور	درآمدی بر دیدگاه‌های فلسفی جغرافیا
مشخصات نشر	تهران: دانشگاه تبریز، انتشارات، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	۲۵۵ ص: مصور، جدول
فروست	انتشارات دانشگاه تبریز؛ ۶۵۶.
شابک	۹۰۰۰۰ ریال: ۳-۴۴-۷۲۰۴-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی	فیبای مختصر
یادداشت	فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی http://opac.nlai.ir قابل دسترسی است
شناسه افزودن	دانشگاه تبریز
شماره ثبت ملی	۳۸۴۵۹۴۵



انتشارات دانشگاه تبریز

درآمدی بر دیدگاه‌های فلسفی جغرافیا

تألیف:	دکتر علی محمد خورشید دوست
ویراستار ادبی:	دکتر اسدالله واحد
ناشر و فروست:	انتشارات دانشگاه تبریز؛ ۶۵۶
تاریخ و نوبت چاپ:	۱۳۹۴- اول
شمارگان:	۱۵۰۰ نسخه
شابک:	۳-۴۴-۷۲۰۴-۶۰۰-۹۷۸
قیمت:	-/۹۰۰۰۰ ریال
لیتوگرافی، چاپ و صحافی:	انتشارات دانشگاه تبریز

این اثر مشمول قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ است. هر کس تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه ناشر، نشر یا پخش کند مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

نشانی: تبریز - بلوار ۲۹ بهمن - دانشگاه تبریز - تلفن: ۳۳۹۲۶۶۹ نمایر: ۳۳۴۲۵۶۲

فهرست مطالب

۱	به عنوان مقدمه
۷	ماهیت و جایگاه جغرافیا
۱۱	جغرافیا و هستی
۱۷	نگاه اکولوژیک به جغرافیا
۲۱	بوم شناسی جغرافیایی
۲۳	اکوسیستم و اهمیت آن در جغرافیا
۲۷	بوم شناسی فرهنگی
۲۹	مکتب جغرافیای رفتار فضایی
۳۳	مکتب فرانکفورت
۴۵	دیدگاه مدرنیسم
۵۷	مفهوم پایداری و جغرافیا- طبیعی
۶۹	عقاید السورث هانتینگتون
۷۷	عقاید فردریک راتزل
۸۵	عقاید ویلیام موریس دیویس
۹۷	داروینیسم
۹۹	تکمله‌ای بر جبرگرایی
۱۰۵	فضا و جغرافیا
۱۱۹	مفهوم جغرافیایی مرز
۱۳۱	آنارشیزم و تفکرات جغرافیایی
۱۴۳	جغرافیای فمینیسم
۱۵۳	تکامل رشته جغرافیای معاصر
۱۶۷	چالش نیچه و جغرافیای طبیعی
۱۷۷	نقش نظریه در ژئومورفولوژی
۲۰۵	وجوه فلسفی جدید در ژئومورفولوژی
۲۱۳	تغییر آب‌وهوایی و فلسفه علمی هایدگر
۲۲۱	مفاهیم نوین آب‌وهواشناسی
۲۴۳	منابع

«انسان هر اندازه نادان تر باشد، فرمانبردارتر است»

پرودون

به عنوان مقدمه

مطالعه کتاب بسیار مهم و ارزشمند «دگراندیشی در فلسفه جغرافیا» ترجمه‌ی همکار ارجمند: آباب آقای دکتر حسین حاتمی‌نژاد و نیز مباحث بسیار با ارزش کتاب‌های منتشره‌ی آید معظم زنده‌یاد دکتر یدالله فرید و شادروان دکتر حسین شکویی در زمینه‌ی موضوعات فلسفی جغرافیا مشوق نگارنده در تالیف و تدوین این کتاب بوده‌اند تا جایی که در تدوین مطالب این کتاب از آن‌ها بهره‌های بسیار برده شده است.

جغرافیا به عنوان یکی از کهن‌ترین تمدن‌های نخستین انسان‌ها ریشه دارد. اراتستن بیش از ۲۵ سده پیش، جغرافیا را به عنوان مطالعه زمین تعریف کرد. به نظر می‌رسد او نخستین دانشمندی است که واژه جغرافیا را در برده است. جغرافیا دانشی است که به شناخت زمین و فرایندهای حاکم بر آن با تأثیرپذیری از تأثیرگذاری انسان می‌پردازد و اطلاعاتی که این دانش به انسان می‌دهد، در برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری‌ها، اجرای پروژه‌ها و کلیه جنبه‌های زندگی انسان به کار می‌آید. زمین مکانی طبیعی است و انسان در این مکان طبیعی به زندگی می‌پردازد، پس می‌توان جغرافیا را به دو بخش جغرافیای طبیعی و جغرافیای انسانی و زیر شاخه‌های این دو تقسیم کرد. جغرافیای طبیعی؛ شامل ژئومورفولوژی، اقلیم‌شناسی، هیدروگرافی، جغرافیای خاک‌ها، جغرافیای زیستی است. ژئومورفولوژی دانش بررسی اشکال طبیعی زمین و لندفرم‌ها و فرایندهای حاکم بر آن است. اقلیم‌شناسی به شناخت آب‌وهوای مختلف زمین و روابط متقابل آن‌ها می‌پردازد. جغرافیای انسانی نیز از گرایش‌هایی چون برنامه‌ریزی شهری، جغرافیای روستایی و گرایش‌های مشابه تشکیل شده است.

فلسفه به معنای اندیشیدن خردمندانه انسان نسبت به هر موضوع است. هیچ علمی بدون فلسفه نیست. فلسفه در لغت به معنای خرد دوستی و دانش دوستی و ریشه آن یونانی است و در مورد حقیقت اشیا بحث می‌کند. علم در مورد واقعیت اشیا بحث می‌کند و برای

تولید، به فلسفه و فکر نیاز دارد. با داشتن فلسفه نیاز به علم پدید می‌آید، زیرا علم واقعیت را مشخص می‌کند. فلسفه جهان بینی انسان و درک حقایق فضای زندگی انسان است.

جغرافیا نیز به توصیف زمین و پدیده‌ها و اشکال آن می‌پردازد. به دیگر سخن، جغرافیا بررسی روابط متقابل انسان و محیط است. دانشی که فاقد تفکرات فلسفی باشد از نظر علمی چندان مفید و کارا نیست. جغرافیا دانشی پایه‌ای است که ساماندهی فضا و آمایش سرزمین را بر عهده دارد. در جغرافیای کاربردی، فارغ از هرگونه تفکر ایدئولوژیکی و فلسفه جغرافیا، مران و آبادانی سطح زمین و حفظ محیط زیست مورد نظر هر نوع توسعه‌ای است. بدون تفکرات فلسفی در جغرافیا منفعّل خواهد بود. مکان، مفهومی کلیدی در جغرافیا به شمار می‌رود و شامل ترکیبی از عوامل طبیعی و انسانی در محیط است. ماهیت هر مکان در سه عامل اقتصاد، جامعه مدنی و دولت خلاصه می‌شود. جغرافیا تنها جهان را کشف نمی‌کند بلکه آن را می‌سازد و همواره دانشی مشاهده‌ای و با جهان مادی درگیر است. موارد بررسی ویژگی‌های طبیعی و انسانی مناطق، شامل شناسایی مکانی (مساحت، آب و هوا، ژئومورفولوژی و غیره)، پراکندگی مراد شناسایی شده و تعیین و شناسایی توپوگرافی برای ناحیه بندی جغرافیایی است. در این بحث، مکان دارای ساختار طبیعی و انسانی است. بنابراین دانش جغرافیا نظم موجود در آرایش پدیده‌ها را بر روی مکان‌ها و فرایندهای موجود که به وجود آورنده این نظم مکانی هستند، بررسی می‌کند. جغرافی‌دان، مکان را در قالب یک مجموعه مرتبط و به هم پیوسته و در شکل خاص مندرج مطالعه می‌کند.

از نظر تفکر و فلسفه جغرافیایی، مباحث متعددی قابل طرح هستند؛ به عنوان نمونه، پارادایم (قانون علمی، الگو، مثال، نمونه، سرمشق)^۱ دربرگیرنده‌ای است، آرا، ارزش‌ها و تکنیک‌هایی است که یک جامعه علمی به کار می‌گیرد و منطق یک رشته دانشگاهی را تشکیل می‌دهد. این بحث، در فلسفه و نگرش‌های مختلف جغرافیایی جایگاه ویژه‌ای یافته‌است. از نظر تامس کوهن زمانی یک پارادایم جدید به وجود می‌آید که دارای مشخصات زیر باشد:

اولا پارادایم جدید توان حمل مسایل جامعه را داشته باشد و بتواند به پارادایم قبلی غالب گردد. ثانيا بتواند مرزهای علم و دانش را گسترش دهد و ثالثا با شرایط زمان سازگاری داشته باشد.

^۱ تامس کوهن فیزیک‌دان آمریکایی برای نخستین بار در بین سال‌های ۱۹۶۳ تا ۱۹۷۰ مسأله پارادایم (Paradigm) را مطرح می‌کند.

در سال ۱۹۶۷ ریچارد چورلی و پیتر هاگت (جغرافی دانان انگلیسی) با نظریه پردازی‌های متنوع خود به مفهوم پارادایم در جغرافیا غنا بخشیدند. فردریک راتزل جغرافی دانی بود که به تأثیر طبیعت در زندگی انسان توجه داشت و بر اساس این طرز تفکر، پارادایم جبرگرایی محیطی را ارائه داد. در این پارادایم به طور کلی کنترل محیط طبیعی بر عملکردهای انسانی در محور مطالعات جغرافیایی قرار گرفت. از دیگر سو، ویدال دولابلش فرانسوی نیز پارادایم امکان گرایی را مطرح کرد که محور اصلی آن بر مبنای تأکید بر شیوه‌های زندگی در محیط‌های مختلف جغرافیایی است. ویدال دولابلش در جغرافیا بیش‌تر به تغییر ارزش‌ها و نگرش‌ها رجه تزد. وی بر این عقیده بود که در جغرافیا باید دو عامل تأکید کرد: محیط طبیعی و شیوه‌ی زندگی. بنابراین امکان گرایی یک دیدگاه فلسفی است که در آن محیط طبیعی امکان را جهت انتخاب انسان عرضه می‌کند تا انسان با توجه به نیازهای فرهنگی و زندگی خود این امکانات استفاده کند. بر اساس این پارادایم، محیط طبیعی نه عنوان شریک بلکه به عنوان مشارک برای انسان به شمار می‌آید؛ درحالی‌که انسان همچون یک قاضی در بهره برداری از محیط طبیعی رأی نهایی را صادر می‌کند.

پارادایم علمی - فضایی نگره‌ی دیگری است که در جغرافیا مطرح شد. شیفر بنیانگذار این پارادایم بود. وی اعتقاد داشت که جغرافیا باید همه مسائل را از طریق روابط کمی و ریاضی توضیح داد. بعدها دیوید هاروی، جغرافی‌دان انگلیسی با تعریف جغرافیا به عنوان دانش پراکندگی فضایی، این پارادایم را توسعه داد. از ۱۹۶۰ مکتب علمی-فضایی در جغرافیا رونق بیش‌تری یافت و صاحبان این دیدگاه با استفاده از قوانین آمار و ریاضی از آرایش پدیده‌های جغرافیایی به صورت قانونمند دفاع کردند. شیفر زمانی که جغرافیا را در ردیف علوم قرار می‌داد از آرایش فضایی پدیده‌ها دفاع می‌کرد. پارادایم کورولوژی توسط بطلمیوس مطرح گردید. کورولوژی دانش بررسی و مطالعه نواحی و مکان است بر پایه این نگرش فلسفی، جغرافیا وظیفه دارد تفاوت‌های مکانی را تحلیل کند. این پارادایم توسط ریچارد هارتشورن مطرح شد. از نظر زمانی، پارادایم کورولوژی مقدم بر پارادایم علمی-فضایی است. از نظر هارتشورن کورولوژی را می‌توان همبستگی مکانی پدیده‌ها با خاستگاه‌های مختلف به شمار آورد. هارتشورن علم جغرافیا را به عنوان دانش افتراق یا جدایی مکانی مطرح می‌کرد. ویژگی مهم و برجسته‌ی پارادایم علمی-فضایی این بود که جغرافیا را به عنوان دانش فنی قانون‌مندی درآورد و با وارد کردن روش‌ها و تکنیک‌های آماری، ریاضی و نیز رایانه به عرصه دانش جغرافیا، آن را به علوم فنی و مهندسی نزدیک

کرد. دانشمند برجسته جغرافیا کارل ساور پارادایم مورفولوژی چشم اندازه‌ها را مطرح کرد. او معتقد بود که در قلمرو جغرافیا، چشم انداز بخشی از سیاره زمین از پدیده‌ها و لندفرم‌های طبیعی است که با چشم قابل مشاهده باشند. پارادایم چشم‌انداز به نقش و تأثیر انسان در شکل‌دهی به محیط جغرافیایی - محیط انسانی توجه می‌کند. این تفکر به نقش انسان و فرهنگ در شکل‌گیری چشم اندازه‌ها توجه بیش‌تری می‌کند.

به طور خلاصه، فردریک راتزل با پارادایم جبر محیطی، ویدال دولابلش با امکان‌گرایی و اختصار کارل ساور با مورفولوژی چشم‌انداز، ریچارد هارتشورن با کورولوژی و شیف با علمی-فضای جغرافیا را تکامل بخشیدند. نگرش سیستمی در جغرافیا نگرش نسبتاً نوینی است که در یک چارچوب ریس شناختی ویژه به کار می‌رود. ریچارد چورلی از این دیدگاه در مطالعه سیستم‌های محلی استفاده می‌کرد. دیوید هاروی، جغرافی‌دان برجسته انگلیسی معتقد است نگرش سیستمی قاعده‌مند است در برابر پرسش‌های پایان‌ناپذیر جهان پیچیده‌ی ما پاسخ‌های قانع‌کننده‌ای پیدا کنند. نگرش سیستمی عبارت از ترکیبی از اجزا و بخش‌های مختلف یک مجموعه است که به یکدیگر وابسته و روابط متقابل میان آن‌ها به شکل خاصی سازمان یافته‌اند. عناصر یا اجزا کوچک‌ترین واحدهای هر سیستم می‌باشند و یک کارکرد نسبتاً مستقل را ارائه می‌دهند. بین این اجزا و عناصر ارتباط محکمی برقرار است و هر نوع دگرگونی در هر یک از این اجزا و عناصر را سایر اجزا و عناصر سیستم تأثیر می‌گذارد و تغییراتی را در مجموعه سیستم پدید می‌آورد. هر تأثیر که در روابط سیستم با محیط پیرامون آن به وجود آید، ابتدا اجزا و عناصر سیستم را تحت تأثیر قرار می‌دهد، سپس از طریق کلیت سیستم همه اجزا و عناصر سیستم از تغییرات محلی تأثیر می‌پذیرند. بحث‌های متعدد دیگری در قلمرو جغرافیا به وجود آمده‌اند که به ارتباط با مبانی و شالوده‌های فکری و فلسفی نیستند.

این کتاب به کندوکاوی هرچند ناچیز، در باب برخی مباحث و رویکردهای مهم فلسفی در دانش جغرافیا می‌پردازد. مطالعه آثار علمی و ارزشمند همکاران و اساتیدی چون زنده‌یاد دکتر یدالله فرید، زنده‌یاد دکتر حسین شکویی، دکتر محمد حسین پاپلی‌یزدی، دکتر پرویز نوروزی ثانی، دکتر حسین حاتمی‌نژاد، دکتر فرهاد شهادت، دکتر مهدی سقایی و سایر اندیشمندان عرصه‌ی دانش جغرافیا در نگارش این کتاب تأثیر مثبت و بسزایی داشته‌اند. با وجود نمونه خوانی‌های مکرر و ویرایش، بدون تردید ایرادات و کاستی‌هایی در نسخه نهایی کتاب وجود دارند که از چشم نگارنده پنهان مانده‌اند. بدیهی است یادآوری و گوشزد کردن

کاستی‌های علمی و خطاهای نگارش، از طرف خوانندگان محترم می‌تواند بر غنای اثر در چاپ‌های احتمالی بعدی بیفزاید.

از معاونت و مدیریت امور پژوهشی و کارکنان محترم انتشارات دانشگاه تبریز به جهت زحماتی که در چاپ این کتاب متحمل شده‌اند، سپاس‌گزارم. از همکار ارجمند آقای دکتر اسدالله واحد استاد ادبیات فارسی که با دقت و حوصله کتاب را ویرایش نمودند، کمال تشکر را دارم. از آقای عبدالله طالشی دانشجوی ممتاز دوره دکترای اقلیم‌شناسی دانشگاه تبریز و آقای محمدحسین عالی‌نژاد دانشجوی پرتلاش کارشناسی‌ارشد دانشگاه تبریز نیز به علت همکاری در تنظیم نسخه نهایی کتاب تشکر می‌کنم. از سرکار خانم رضالو و خانم موسایی به جهت تاپ اصلاحات نهایی و آقای نادر ریحانی‌پور به علت صفحه‌آرایی دقیق کتاب قدردانی می‌نمایم.

علی محمد خورشید دوست

فروردین ۱۳۹۴